

## متن پرسش

سلام و عرض احترام خدمت استاد گرامی. مسئله ای که دارم این است که اساسا کودکی چیست؟ چه ویژگی هایی دارد؟ به چه انسانی کودک می گویند؟ کودکی تاریخی چیست؟ و بشر در چه مرحله ای از تمدن خود کودک بوده و الان در چه مرحله ای قرار دارد؟ بنده فکر می کنم امروز، بشر در نوجوانی قرار دارد چرا که او به دنبال هویت گمشده و حقیقی خود می گردد. زیرا با پشت سر گذاشتن دوران مدرن، و نرسیدن به مطلوب خویش؛ امروز به دنبال چیزی اصیل است. و در شرایط و روزگاری به سر می برد که اگر بهترین برنامه مادی و معنوی و اخلاقی را به روشی درست به او عرضه کنیم، عقل بشر امروز با آغوش باز آن را می پذیرد. و این شرایط روحی بشر امروز تاریخ، ویژگی های دوران نوجوانی یک فرد انسانی را به ذهن می آورد. و سوال بعدی اینکه آیا روزگاری بوده که بشر کاملا کودک بوده باشد؟ و در برخورد با پرسش های بنیادین خود، عقل به جایی نبرد و سرگرم امور لغو و بازیچه باشد؟ به نظر می رسد دوران کودکی بشر همان زمانی بود که عالم را اساطیری تفسیر می کرد و تلقی انسان انگارانه ای از خدایان داشت، و سرگرم داستان ها و افسانه ها بود. لطفا نظر خود را بیان بفرمایید. حال پرسش اساسی تر، نقش و جایگاه و اهمیت کودکی در نگاه اسلام، شیوه مواجهه با کودک، و انتخاب یک رویکرد تربیتی و فکری است. نقش تفکر در شکل گیری و ماندگاری تمدن ها چیست؟ تفکر در افق تمدن نوین اسلامی چه جایگاهی دارد؟ در باب مفهوم کودکی در تمدن نوین اسلامی، حرف بزنید. چگونه می توان بشر امروز را در تعقل ورزی اش یاری کرد تا از گذرگاه های حساس عمر تاریخی اش به سلامت گذر کند؟ لطفا به سوال های بنده به قدر فرصت تان توضیح بدهید و البته مشتاق معرفی منابع هستم، از تفاسیر قرآن و آیات مرتبط، منابع فلسفی و مقالات، و آثار خودتان هرچه که اندکی مرتبط هستند را لطفا به بنده معرفی کنید. ان شاء الله قصد دارم به صورت یک مقاله پژوهشی بر روی این مسائل کار کنم. سپاسگزار و دعاگوی تان هستم.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! از آن جهت که حتی تا قبل از حضرت نوح «علیه السلام» شریعت به معنایی که بشر با آداب خاص شرعی خود را پیروانند؛ نبوده، و بیشتر با همان کشش های روحانی خود نسبتی با خداوند داشته؛ می توان گفت مانند کودکی انسان در واقع با امور درونی خود به سر می برده و در همین راستا می توان گفت هر اندازه انسان ها بر مبنای قواعد و به تعبیر علامه طباطبایی اعتباریات زندگی را مدیریت کنند و آن اعتباریات مبتنی بر نفس الامر و احکام الهی باشد؛ بشر از کودکی خود به

سوی بلوغش قدم برداشته. و این‌جا است که باید پذیرفت اگر انسان‌ها در این دوران همچنان از شریعت و قواعد عقلانی زندگی فاصله بگیرند، به همان اندازه در کودکی دوران خود هستند و برعکس، هر اندازه در افق توحیدی تاریخی که در آن حاضرند خود را جستجو کنند، به بلوغ خود رسیده و آینده‌داری برایشان معنا دارد. عرایضی تحت عنوان «سنت سقوط تمدن‌ها از نظر قرآن در المیزان» <https://lobolmizan.ir/leaflet/۳۶۸?mark=%D۸%B۳%D۹%۸۲%D۹%۸۸%D۸%B۷> شده است. که می‌توانید در سایت «لب المیزان» جزوه آن را مطالعه فرمایید. کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و کتاب «انقلاب اسلامی؛ طلوع جهان بین دو جهان» و مباحث «رابطه مردمی‌بودن نظام اسلامی و آزادی» در این مورد می‌تواند راه‌گشا باشد، *إن شاء الله*. موفق باشید